

شبه حله خون

مجتهد، همتی اظهر



سرشناسه: همتی اظهر، مجید، ۱۳۶۳-
عنوان و نام پدیدآور: شبیه خلسه خون/ مجید همتی اظهر
مشخصات نشر: همدان- تدین، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری: ۹۸ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۶۴-۰۹-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیاپی مختصر
یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل
استی است
شماره کتاب شناسی ملی: ۳۸۴۲۰۴۷

نام کتاب: شبیه خلسه خون
نویسنده: مجید همتی اظهر
ناشر: تدین
تیراژ: ۲۰۰۰
چاپ: چنار
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴
قیمت: ۷۰۰۰ تومان
تلفن نویسنده: ۰۹۱۸۹۳۹۲۸۹۸



انتشارات تدین همدان - تلفن: ۰۹۱۸ ۵۰۰ ۲۷۰۱
zahratadayon@yahoo.com
حق چاپ برای ناشر و مؤلف محفوظ است

مقدمه:

پرداختن به مقوله ایثار و شهادت، به تعبیر رهبر معظم انقلاب کمتر از شهادت نیست. همین مسأله انگیزه‌ای است برای هنرمندان، نویسندگان و شاعران که در این وادی قدم بردارند و مخصوصاً در انجمن‌های جهان امروز که مابین فرسنگ و ضعف اخلاق مواجه هستیم، طرحی نو درنگند. امروز جامعه از بیانات مختلف فرهنگی، اعتقادی، سیاسی، مدیریتی و حتی بسک زندگی روزمره مردم دچار نوعی اضطراب و حتی افسال است و لذا به بازخوانی و رجوع به فرهنگ شهدا و ایثارگران جهه و جنگ می‌شود. پیش‌یار می‌زنیم و زبان شعرو هنریم می‌تواند محل ارزشمندی برای تبیین و نشر این مهم باشد.

جناب آقای، همی‌انظر، از طلاب خوش قرصه‌ای است که از همان اوایل طلسمی به شعرو هنر اهتمام داشت و این بار این زبان را به دستی در خدمت نشر فرهنگ ایثار و شهادت بالاختصاص در حوزه‌های آزادی، عرفان، دین قرار داده است که در جای خود مستحسن و مباحور است. اشاء...

والسلام

حسین جان محمدی

سخن مولف:

کتابی که در دست دارید حاصل ۱۵ سال نویسنده‌گی و تلاش در زمینه فرهنگ شهداء و دستاوردهای آنها قبل آزادی، عرفان ناب، عشق و اخلاص و رمز و رازهای اجتماعی و انسانی آنها است.

در قمر اول که در سال ۱۳۹۰م. خ. در زمزم غم و شادی - انتشارات صرّی پور و در چاپخانه نهضت قم - به چاپ رسید به مقوله آزادی و آگاهی پرداخته است و نیز در آن در باب عرفان گفتگوهای شده است.

در قمر دوم به نام یادداشت‌های سرخ و سپید - انتشارات امیرکبیر، تهران سال ۱۳۹۰ - که شامل ۵ فصل است نیز به مقوله شهداء، آزادی، آگاهی و عرفانی که برای بشریت از مغفان آورده اند اشاره شده است؛ چه در باب اشعار و قصار و چه در باب شطحیات و دینی.

گاهی اوقات شعر می‌گوید ولی از تاثیر آن در غلظتیم زیرا از منطق و مفهوم و پیام شعر دوریم و این به خاطر آن است که به ساختار شعر بیاری پرداختیم و همین باعث غفلت و بی‌تأثیری

سخن برای مخاطب می‌شود (مخاطب امروز آگاه است و باید به این آگاهی و ذائقه و دقت نظر او احترام گذاشت) چرا که ایشان مستقیم به سراغ مفهوم الفاظ می‌رود بعد ظاهر اشعار و لذا آنچه در مجموعه "شیه خله خون" می‌خوانید مفهوم عمیق است بعد شعروقیق، برخلاف کتابهای شعر دیگر که ابتدا به ظاهر شعر و بعد به مفاهیم شعری پردازند.

در آخر سختم را با جمله‌ای از اقبال لاهوری به پایان می‌رسانم که: شعرا در مغزو قلب ملت مردم متولد می‌شوند و در دسه دست زبان یارشد می‌کنند یا می‌میرند و نیزید جلال آل احمد در باب تحقیق و نویسندگی و هنرمی گوید: «ریا نوانده اگر کاره‌ای نباشد قلمش با توطنه می‌سکوت مواجهه می‌شود یا با غفلت».

فیروز و پایداری باشید

محمد همتی اظهر

بهار ۱۳۹۴

فهرست

- ۱۷..... تقدیم به تو
- ۱۸..... آزادی نمو آگاهیست
- ۱۹..... هرگاه عشق در سرزمینی جلوه کند
- ۲۰..... آزادی و بی دارد به پهنای جنگل
- ۲۱..... گفته بودی تا آزاد، هزار زندان دیگر مانده است
- ۲۲..... چقدر دلم بر این فریاد ری می سوزد
- ۲۳..... این گونه نمی شود
- ۲۴..... می شود پیام زیتون را به بوش هزار رساند
- ۲۵..... تا از خودم می نویسم
- ۲۶..... به درازای پیشانی داغ « بازی دراز » گریه کرد
- ۲۷..... آن روز مردم
- ۲۸..... آزادی در لوله تفنگ یک سرباز است
- ۲۹..... هفت نماد پیروزیست
- ۳۰..... در ابتداء دو نفر بودیم
- ۳۱..... سپید یا سیاه
- ۳۲..... آخرین سیگنالی که خودکارم دریافت کرد
- ۳۳..... راستی ما کجای زمین ایستاده ایم
- ۳۴..... آنچه بر شیپور بودن می دمد
- ۳۵..... گاهی شیهه هشت می شویم
- ۳۶..... آزادی میدان هم که باشد

- ۳۷.....و می خندید
- ۳۸.....و عشق رازبست
- ۳۹.....بی تو
- ۴۰.....چه کسی به تصویر می کشد
- ۴۱.....هرجا فواره خونی یافتی
- ۴۲.....آلایب
- ۴۳.....می شود امسال عاشورا
- ۴۴.....مرداب
- ۴۵.....جسمم عریان است
- ۴۶.....بدون تو انسان نیستم
- ۴۷.....رها شدن
- ۴۸.....با سوء پیشینه افکارم چکار کنم
- ۴۹.....یک گوسفند
- ۵۰.....تنور داغ
- ۵۱.....تو را چند وقتی ست ندیده ام
- ۵۲.....چقدر مریضم این روزها
- ۵۳.....وقتی گرسنه ای
- ۵۴.....در کدامین قرن میخکی
- ۵۵.....بر پشت بام برفی خانه من
- ۵۶.....من را اسکیمو حساب نکن
- ۵۷.....سبزینه جلبهرگ زیبایی
- ۵۸.....چه مردها با نام تو بزرگ شدند

- ۵۹.....تو بگو از بیلهات چگونه گریختی
- ۶۰.....این روزها حال من.....
- ۶۱.....«تقدیم به امام عصر (عج)».....
- ۶۲.....شاید شعر.....
- ۶۳.....آنجا هست پُر از برهای ریخته‌ی نو عروسکان.....
- ۶۴.....به زیارت می‌آورم.....
- ۶۵.....من پر از همب صداها شنیده می‌شوم.....
- ۶۶.....نه آن گونه خاموش نه این گونه پر فریاد.....
- ۶۷.....در کندوی چشمان تو.....
- ۶۸.....بهشت نه.....
- ۶۹.....«تقدیم به ویکتور هوگو».....
- ۷۰.....«تقدیم به ساحت ولی عصر».....
- ۷۱.....مدتیست شیشه دلم خالیست.....
- ۷۲.....وقتی از تو می‌گویم.....
- ۷۳.....باید تب کنی، بسوزی.....
- ۷۴.....هرجا فواره خونی یافتی.....
- ۷۵.....یا آتشفشان بی سر.....
- ۷۶.....من رنج توأم.....
- ۷۷.....عشق، تابندگیست.....
- ۷۸.....زندگی تازیانه عقل است.....
- ۷۹.....چه کسی می‌گوید.....
- ۸۰.....شهیدان.....

- ۸۱..... عشق این نیست که بگویی
- ۸۲..... لبان پر خون پروانه.....
- ۸۳..... تو ای گل هندسه
- ۸۴..... هر چه فواره خونی یافتی
- ۸۵..... من آن خون داغم.....
- ۸۶..... آ: یعنی آگاهی.....
- ۸۷..... من از آب.....
- ۸۸..... پرهیز همان رواز است
- ۸۹..... من ندانم
- ۹۰..... هر آنکس تو را راست دوست نمیداند.....
- ۹۱..... فقر، عریانیت.....
- ۹۲..... عشق کوریست.....
- ۹۳..... چه بیهوده می جنگیم.....
- ۹۴..... چگونه با تو بخوانم زندگی.....
- ۹۵..... دلی که به غمزه تشکست.....
- ۹۶..... آزادی هم واژه کهنه است.....
- ۹۷..... آزادی پرنده‌ایست زیبا و هوشیار.....
- ۹۸..... کجای عالم شنیده‌ای.....
- ۹۹..... آزادی، هر چه هست، باشد.....
- ۱۰۰..... می خروشم.....
- ۱۰۲..... در آب، آبادانی هاست